

اخلاق اسلامی

دکتر رحمت اللہ قاضیان

www.KitaboSunnat.com

سرشناسه: قاضیان، رحمت‌الله

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق اسلامی /مؤلف رحمت‌الله قاضیان

مشخصات نشر: قم: افروغ، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۹۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۲۹۱-۲-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر برای اولین بار توسط انتشارات افروغ منتشر می‌شود و کلیه حقوق آن آن به این انتشارات تعلق دارد.

عنوان دیگر: بررسی مسایل اخلاقی.

موضوع: اخلاق در اسلام

شناسه افزوده: قاضیان، رحمت‌الله، ۱۳۹۸

رده بندی کنگره: Bp۲۴۷/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۱۹۰۹



انتشارات افروغ

دفتر انتشارات: پردیسان - بلوار بهشت - خیابان ملت - ساختمان کرانه ۴ - واحد ۹

تلفن: ۰۹۱۲۷۵۳۴۶۸۳-۰۹۳۳۳۰۳۸۶۹۰

♦ عنوان: اخلاق اسلامی

♦ نویسنده: رحمت‌الله قاضیان

♦ ناشر: افروغ

♦ نوبت چاپ: اول ۹۸

♦ تیراژ: ۳۰۰ جلد

♦ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۲۹۱-۲-۳

♦ قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

دیباچه، ص ۷

بخش اول: اصول مسائل اخلاقی

مسائل اخلاقی، ص ۱۳

علم اخلاق، ص ۱۳

ارزش علم اخلاق، ص ۱۴

جایگاه اخلاق در فلسفه‌ی اسلامی، ص ۱۸

سعادت انسان در پرورش جسم و روح، ۱۵

رابطه‌ی اخلاق و عرفان، ص ۲۰

جایگاه اخلاق از نظر دانشمندان اسلامی، ۱۸

فرق کار اخلاقی و کارهای دیگر، ص ۲۰

راه پرورش اخلاق، ص ۲۰

نیت در ارزش های اخلاقی، ص ۱۳

مذهب بهترین پشوانه‌ی اخلاق، ص ۲۱

ریشه بایدها و نبایدهای همگانی، ص ۲۶

اخلاق فردی و اجتماعی، ص ۲۵

پیوند مسائل اخلاقی با یکدیگر، ص ۲۷

اخلاق و آزادی، ص ۲۶

ویژگی‌های فعل اخلاقی، ص ۲۹

لزوم علم اخلاق، ص ۲۸

اخلاق درس تحمل محرومیت‌ها، ۳۱

اخلاق نیک و قرآن، ص ۳۰

اخلاق فیلسوفانه، ص ۳۱

شیوه‌های اخلاق اسلامی، ص ۳۱

اخلاق نقلی، ص ۳۲

اخلاق عارفانه، ص ۳۱

اثر کامل نداشتن عبادت بدون تزکیه، ۳۲

شیوه برگزیده در اخلاق، ص ۳۲

اخلاق پسندیده و ذمیه، ص ۳۴

نقش عظیم اخلاق در زندگی اجتماعی، ۳۳

همه جانبه بودن اسلام، ص ۳۴

اخلاق پسندیده، ص ۳۴

قرب خدا، کمال نهایی انسان، ص ۳۶

انسان کامل از نظر اسلام، ص ۳۵

اخلاق علمی دستوری است، ص ۳۷

قضا و قدر الهی و معنای صحیح آن، ۳۷

مسائل اخلاقی و جهان‌بینی اسلامی، ۳۸

لذات معنوی، ص ۳۸

فرق علم و اخلاق، ص ۴۰

قداست داشتن افعال اخلاقی، ص ۳۹

رابطه‌ی اخلاق و رفتار، ص ۴۱

فرق اخلاق و فقه، ص ۴۰

فقر روحی و فکری، ص ۴۲
محاسبه نفس، ص ۴۵

ملاک فعل اخلاقی در اسلام، ص ۴۷

نیت، ص ۴۵
عمل صالح، ص ۵۰

مطابقت عمل با شرع، ص ۵۱

عوامل مؤثر در فعل اخلاقی:

وراثت، ص ۵۲
خانواده، ص ۵۲

محیط، ص ۵۲
معاشران، ص ۵۲

آگاهی، ص ۵۴

اصول موضوعه در علم اخلاق:

اختیار و قابل تغییر بودن اخلاق، ص ۵۵
هدف داشتن، ص ۵۷

تلاش برای رسیدن به سعادت، ص ۵۸

بخش دوم: فضایل و رذایل اخلاقی

۱- آرزوهای دراز، ص ۶۰
۲- آزادی و آزادگی، ص ۶۶

۳- اجتماع گرایی و انزواطلبی، ص ۶۸
۴- احسان و انفاق، ص ۷۴

۵- اخلاص، ص ۷۷
۶- ارتکاب گناه، ص ۸۰

۷- اسراف و تبذیر، ص ۸۸
۸- اصلاح بین مردم، ص ۹۰

۹- اعتدال و میانه روی، ص ۹۱
۱۰- اعتماد به نفس، ص ۱۰۰

۱۱- امانت و خیانت، ص ۱۰۱
۱۲- امتحان و فتنه، ص ۱۰۳

۱۳- امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۰۷
۱۴- اهتمام به امور مسلمین، ص ۱۱۵

۱۵- با حق بودن، ص ۱۲۰
۱۶- بخت و شانس، ص ۱۲۲

۱۷- بخل و امساک، ص ۱۲۳
۱۸- بدعت، ص ۱۲۶

۱۹- برآوردن حاجت مؤمن، ص ۱۲۷
۲۰- بزرگ شمردن گناه، ص ۱۲۹

۲۱- بلندهمت، ص ۱۳۲
۲۲- تجسس و عیب جویی، ص ۱۳۳

۲۳- تذلل و عبودیت برای خدا، ص ۱۳۶
۲۴- ترحم بر حیوانات، ص ۱۳۹

۲۵- تسلیم و رضا، ص ۱۴۱
۲۶- تعاون و هم کاری، ص ۱۴۳

- ۲۷- تعصّب و لجاجت، ص ۱۱۰
- ۲۹- تقوا، ص ۱۵۰
- ۳۱- تنبلی و کسالت، ص ۱۶۴
- ۳۳- توفیق، ص ۱۶۹
- ۳۵- تولّی و تبرّی، ص ۱۷۸
- ۳۷- جاه طلبی، ص ۱۸۹
- ۳۹- جرّزه و جهل، ص ۱۹۸
- ۴۱- جنود عقل و جهل، ص ۲۰۱
- ۴۳- حُسن خلق، ص ۲۰۸
- ۴۵- خشم و غضب، ص ۲۲۰
- ۴۷- خواستن فقط از خدا، ص ۲۳۳
- ۴۹- خیرخواهی، ص ۲۳۷
- ۵۱- دنیادوستی، ص ۲۴۵
- ۵۳- دوست داشتن حقّ، ص ۲۵۴
- ۵۵- دوستی و دشمنی برای خدا، ص ۲۵۹
- ۵۷- راستگویی، ص ۲۶۴
- ۵۹- رضای خدا، ص ۲۷۱
- ۶۱- روزی، ص ۲۷۸
- ۶۳- زهد، ص ۲۸۳
- ۶۵- سخنان نیکو گفتن، ص ۲۹۵
- ۶۷- سرزنش ممنوع، ص ۳۰۳
- ۶۹- سوء ظنّ و حسن ظنّ، ص ۳۰۶
- ۷۱- شکر نعمت و کفر نعمت، ص ۳۱۹
- ۷۳- شور و مشورت، ص ۳۳۱
- ۷۵- صبر و شکیبایی، ص ۳۳۷
- ۷۷- طمع، ص ۳۵۲
- ۲۸- تعلیم و تربیت، ص ۱۴۸
- ۳۰- تکبر و استکبار، ص ۱۵۷
- ۳۲- تواضع و فروتنی، ص ۱۶۵
- ۳۴- توکل و تفویض، ص ۱۷۲
- ۳۶- تهذیب نفس، ص ۱۸۰
- ۳۸- جدال و مراء، ص ۱۹۱
- ۴۰- جزع و بی تابی، ص ۱۹۹
- ۴۲- حسد، ص ۲۰۳
- ۴۴- حلم و شکیبایی، ص ۲۱۵
- ۴۶- خموشی و سکوت، ص ۲۲۵
- ۴۸- خوف و رجا، ص ۲۳۵
- ۵۰- دروغ، ص ۲۴۰
- ۵۲- دنیا و آخرت، ص ۲۵۰
- ۵۴- دوستی و دوست یابی، ص ۲۵۶
- ۵۶- رازداری، ص ۲۶۱
- ۵۸- راه نفوذ در دل ها، ص ۲۶۹
- ۶۰- رفق و مدارا، ص ۲۷۵
- ۶۲- ریا، ص ۲۸۰
- ۶۴- سخاوت و بخشش، ص ۲۸۸
- ۶۶- سخن چینی، ص ۲۹۹
- ۶۸- سعادت، ص ۳۰۴
- ۷۰- شجاعت، ص ۳۱۲
- ۷۲- شوخی و خنده، ص ۳۲۸
- ۷۴- شهوت پرستی، ص ۳۳۳
- ۷۶- صله ی رحم، ص ۳۴۷
- ۷۸- عجب و غرور، ص ۳۵۴

- ۷۸- عجله و شتاب، ص ۳۵۸
- ۸۱- عزّت نفس، ص ۴۶۶
- ۸۳- عفو و انتقام، ص ۳۷۳
- ۸۵- عیادت مریض، ص ۳۸۷
- ۸۷- غفلت و بی خبری، ص ۳۹۰
- ۸۹- غیبت، ص ۴۰۲
- ۹۱- فحش و بدگویی، ص ۴۱۶
- ۹۳- قناعت و حرص، ص ۴۲۱
- ۹۵- گشاده رویی، ص ۴۳۶
- ۹۷- لذّت طلبی، ص ۴۴۰
- ۹۹- مکر و خدعه، ص ۴۴۵
- ۱۰۱- وفای به عهد، ص ۴۵۰
- ۱۰۳- همنشین، ص ۴۵۶
- کتاب نامه، ص ۴۶۷
- ۸۰- عدل و ظلم، ص ۳۶۱
- ۸۲- عفت، ص ۳۷۰
- ۸۴- علم و عمل، ص ۳۷۹
- ۸۶- غشّ و خلوص، ص ۳۸۸
- ۸۸- غنا و فقر، ص ۳۹۵
- ۹۰- غیرت، ص ۴۱۴
- ۹۲- فرصت طلبی، ص ۴۲۰
- ۹۴- کار و کوشش، ص ۴۲۸
- ۹۶- لجاجت، ص ۴۳۷
- ۹۸- مسخ شدن، ص ۴۴۳
- ۱۰۰- نگرانی، ص ۴۴۶
- ۱۰۲- همسایه، ص ۴۵۲
- ۱۰۴- هواپرستی، ص ۴۶۰

دیساج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسَلِهِ، سَيِّمًا أَشْرَفِهِمْ وَ خَاتَمِهِمْ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَخَذَ مِنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، لَأَسَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيَّ أَعْدَائِهِمْ، وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

برخلاف جماد، نبات و حیوان، که تنها یک راه در پیش دارند، انسان همواره بر سر دو راهی‌ها و چند راهی‌ها قرار دارد و با انتخاب و آزادی و اختیاری که دارد، می‌تواند از میان راه‌ها یکی را برگزیند و بسته به انتخابش آن راه انتخابی، وی را به سعادت یا شقاوت می‌رساند؛ هرچند همواره می‌تواند از راه انتخابی خوب یا بد خود، عدول کرده و به راه مخالف آن گرایش نماید.

و نیز از مسلمات است، که طبیعت انسان نه فقط تغییرپذیر است، بلکه بی‌نهایت تکامل پذیر است؛ یعنی خداوند قوا و استعدادهای فراوانی در انسان قرار داده، که می‌تواند آن‌ها را شکوفا سازد و در نتیجه بی‌نهایت ثمر دهند و انسان را به کمالات نامتناهی نایل سازند؛ و سعادت‌مند کسی است، که آن‌ها را در جهت خیر و صلاح خود شکوفا نماید.

از طرفی، هرچند در هر زمان اخلاق رکن مهم زندگی انسان بوده؛ ولی در زمان ما از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا اگر قبلاً برای انجام بعضی مفاسد اخلاقی هزینه‌ها و وقت‌های بسیاری لازم بود؛ ولی امروزه به واسطه‌ی پیشرفت علم و تکنیک مانند رادیو و تلویزیون و اینترنت و ماهواره‌ها، هر کس می‌تواند به راحتی به بسیاری از مفاسد اخلاقی برسد؛ مواد مخدر به سراسر روی زمین برده شده و با وسایل گشتار دسته‌جمعی هم‌چون بمب‌های اتمی و شیمیایی در مدت کوتاهی می‌شود میلیون‌ها نفر از مردم را از بین برد.

اصولاً انسان زمانی شایسته‌ی نام انسان است، که دارای اخلاق باشد؛ چه در غیر این صورت، حیوان خطرناکی است، که برای رسیدن به ثروت و قدرت بیشتر با استفاده از هوش و عقلش می‌تواند هزاران نفر را به خاک و خون کشد یا به مواد مخدر آلوده سازد.

و این بدان خاطر است، که همان طوری که یک بچه زیباست و چون بزرگ هم شود باز زیباست، که تمام اندام‌های وی یک‌سان رشد می‌کنند، اما اگر تنها یکی از اندام‌های وی رشد کند یا یکی از اندام‌های وی رشد نکند، برای وی مشکل آفرین می‌شود. همین‌طور کمال انسان در داشتن سه چیز است: علم، ایمان و اخلاق، و رشد تنها یکی از این‌ها بدون رشد آن دوتای دیگر باعث ناراحتی‌هایی برای وی می‌شود. چنان‌که امروزه رشد علم بدون رشد ایمان و اخلاق سبب ناراحتی‌های روانی و جنگ‌ها و... بسیار شده است؛ ولی اگر ایمان و اخلاق بشر هم به موازات علمش پیشرفت کند، بشر را به سعادت کامل می‌رسانند.

«عَلَامَةُ مَطَهْرِي» می‌فرماید:

هیچ موجودی به اندازه‌ی انسان نیازمند ساخته شدن نیست و هیچ موجودی به اندازه‌ی انسان قابل ساخته شدن نیست و هیچ موجودی به اندازه‌ی انسان ارزش ساخته شده‌اش با ارزش ساخته نشده‌اش این قدر تفاوت ندارد. این چیزی که در دنیا از یک نظر نامش را «اخلاق» می‌گذارند و از نظر دیگر نامش را «تعلیم و تربیت» و یا «آموزش و پرورش» می‌گذارند، معنایش همین است؛ یعنی انسان به صورت یک ماده خام را تبدیل کردن به یک انسان قابل استفاده. قابل استفاده برای چه کسی؟ برای خودش و برای جامعه‌ی خویش... انسان یگانه موجودی است که حتی از نظر ماهیت هم ساخته و پرداخته به دنیا نیامده است و لهذا این‌که واقعیت انسان چه واقعی و ماهیت انسان چه ماهیتی باشد همه جور ممکن است از آب در بیاید، همه جور ممکن است ساخته شود. ممکن است انسان فرشته شود و صد درجه از فرشته بالاتر... ممکن است همین انسان از هر موجودی که تصوّرش را بکنید منحط‌تر و پست‌تر شود: «أَوْلَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»... همین جاست، که نیاز انسان به «مدل» به اصطلاح روشن می‌شود. (۱)

امروزه بشر در پرتو قدرت علم و صنعت و تکنیک، با استخدام نیروهای مختلف طبیعت، بر بسیاری از مشکلات و دشواری‌های زندگی که تا دیروز برای وی معضل و دردسر بودند

^۱ - آشنایی با قرآن، ذیل تفسیر آیه‌ی دوّم جمعه

فائق آمده است؛ ولی بشر امروز با داشتن همه نوع وسایل بهزیستی، نه تنها آرامش و امنیت خاطر، که زیربنای یک زندگی سعادتمند است، برایش حاصل نشده است؛ بلکه هر روز هم از هدف خویش، که داشتن یک زندگی خوش و خرم است، دورتر می‌شود؛ به طوری که بشر آرزو می‌کند، کاش این صنعت و تکنیک را نداشت، ولی در عوض آن آرامش خاطر را داشت، اما چنین چیزی دیگر امکان ندارد؛ زیرا بشر فعلی نه می‌تواند این علم و صنعت و تمدنش را کنار گذارد و نه کنار گذاشتن آن به صلاح است.

حرمت اخلاق چنان است، که نه فقط ما دوست داریم دارای فضایل اخلاقی باشیم؛ بلکه آراستگان به فضایل اخلاقی را نیز - که در رأس آن‌ها انبیا و اولیا هستند - با دیده عزت و احترام می‌نگریم و شأن آن‌ها را والا می‌دانیم. و این گرایش داشتن انسان به فضایل اخلاقی و بیزاری از رذایل اخلاقی هم، یکی از دلایل قطعی بر فطری بودن اخلاق است.

یکی از عوامل مهمی هم که در موفقیت و پیروزی یا شکست و ناکامی افراد و جوامع تأثیر عظیم دارد «اخلاق» و «فضایل اخلاقی» است. بدین معنی که از نظر محققین امور پرورشی، رهبری احساسات و عواطف و بازداري آن‌ها از گرایش به افراط و تفریط، یکی از مهم‌ترین مسائل در زندگی بشر است. و حتی می‌توان گفت: تکامل استعدادهای روانی و اخلاقی بشر به مراتب از تکامل علمی و معارفی وی مهم‌تر است؛ زیرا او در هر لحظه با استعدادهای روانی و اخلاقی سر و کار دارد. لذا اخلاق و تهذیب و تذکیه نفس، در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد، روابط میان انسان با خدا را تنظیم می‌کند، روابط میان اعضاء جامعه را سامان می‌دهد و فرد و جامعه را به رستگاری و کمال می‌رساند.

هرچند عقل با فروغ طبیعی خود، همواره راه زندگی انسان را روشن می‌سازد؛ ولی امیال و شهوات و غرایز نیز همواره برآنند که برای ارضای بی‌حد و حصر خود، بینایی و روشنایی عقل را چنان ضعیف سازند، که آدمی بی‌اندیشه از امیال و شهوات و غرایزش پیروی کند، و در نتیجه انسان از مسیر طبیعی و صراط مستقیم خارج شده و به پرتگاه سقوط و انحراف کشانده شود. از اینجا می‌توان به نقش پراهمیت اخلاق در زندگی بشر پی برد.

از طرفی دیگر، از آنجا که در بسیاری موارد بین اجرای اصول اخلاقی و تمایلات بشری تضاد پدید می‌آید؛ و نیروی تربیتی آن‌چنان راسخ و پایدار نیست که انسان را در همه حال در خلاف مجرای تمایلاتش سوق دهد، تربیت بدون پشتوانه‌ی دینی کارایی چندانی ندارد. از این رو، معلوم می‌شود، که مهم‌ترین ضامن اجرای اصول اخلاقی «ایمان مذهبی» است. بدین معنی ایمان به خداوندی که آفریننده‌ی جهان است و در دنیا و آخرت به نیکوکاران پاداش و بدکاران را کیفر می‌دهد، می‌تواند انسان را کاملاً قادر سازد که در مقابل وسوسه‌ها و انگیزه‌های شهوانی کاملاً مقاومت کند و خود را در سایه‌ی مذهب بیمه نماید.

ولی از آنجا که انسان ترکیبی از جسم و روح است، توجه به یکی از این دو بُعد، عوارض غیرقابل جبرانی به همراه دارد؛ چنان‌که می‌بینیم مکاتب و ادیانی که تنها به یکی از این دو بُعد توجه داشته‌اند، به هیچ وجه نتوانسته‌اند برای پیروان خود دستاورد چندانی ارائه دهند؛ نقش دین درست و تحریف‌نشده‌ای چون اسلام، که به هر دو بُعد جسمی و روحی انسان کاملاً توجه نموده و دستورات لازم برای هریک از آن دو داده است، روشن می‌شود. آری، آیین مقدس اسلام تنها دینی است، که با توجه به تمام نیازهای مادی و معنوی و فردی و اجتماعی انسان و با پرورش صفات عالی انسانی و اخلاقی، ضامن پیروزی و نجات بشریت است و انسان را به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت خواهند رساند. شیخ بهایی گوید:

چون پروردگار بزرگ، انسان را به کرامت اخلاق مخصوص کرد، او را از میان همه‌ی موجودات به جانشینی خویش برگزید؛ چنان‌که فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و بر آدمی تَخَلَّقَ به اخلاق خداوندی و شباهت جویی به اوصاف پروردگاری را واجب داشت؛ زیرا حکیم هیچ‌گاه کم‌خردی را جانشین خود نمی‌سازد، و دانا، نادانی را به نیابت خویش بر نمی‌گزیند؛ و از این روست که پیامبر ﷺ فرمود: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ: به اخلاق خداوندی متَخَلَّقْ شوید.»^(۱)

اخلاق اسلامی که اسلام ارائه می‌دهد، غیر از اخلاقی است، که ماتریالیست‌ها و مکتب‌ها و حتی ادیان دیگر ارائه می‌دهند. انسانی که امانتدار است و در امانت خیانت نمی‌کند، حیوانی تربیت شده است، هم‌چون سگی که برای شکار تربیت می‌شود، که چون شکاری می‌گیرد، بدون آن‌که در آن خیانت کند، آن را برای صاحبش می‌برد. و کسی که از خانواده و قبیله و ملت خود دفاع می‌کند، هم‌چون حیوانی است، که از بچه‌ی خود دفاع می‌کند؛ اما انسانی که در سایه‌ی توحید و قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مؤدب به آداب اسلامی می‌شود، مظهر اسماء الهی می‌گردد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره ۳۱/۲) یعنی یک انسان بالفعل و متخلّق به اخلاق الهی می‌گردد. این کتاب در دو بخش ارائه می‌شود: اصول مسائل اخلاقی، و فضایل و رذایل اخلاقی.

رحمت الله قاضیان